



Strategies for promoting and institutionalizing a culture of anti-oppression from an Islamic perspective

Dr. Ali Nabiollahi¹

Dr. Saeed Bakhshi²

Abstract

Introduction: Anti-oppression is an important issue in Islamic culture and one of the components of positive influence in today's developments from the right front, and this issue should become a discourse in order to pave the way for emergence. **Main question:** What are the strategies for promoting anti-oppression among Muslims? **Importance and necessity:** Anti-oppression is one of the characteristics of Islamic society, the absence of which leads to the institutionalization of oppression, acceptance of oppression in society, and ultimately the postponement of emergence. **Research objective:** To explain the strategies for promoting anti-oppression and institutionalizing this culture in societies, especially Islamic societies, with the aim of eradicating oppression. **Research method:** First, the desired data was collected from the Holy Quran and narrations, then using the content analysis method and focusing on the interpretation and understanding of the text of the verses and narrations, the desired items were categorized or coded, then analyzed, and finally the necessary results were obtained. **Achievements and results:** The studies showed that there are solutions for promoting and institutionalizing the culture of anti-oppression, including presenting and introducing the model of anti-oppression, the existence and enjoyment of righteous leadership and followers, institutionalizing perseverance and patience among people in the face of oppression and oppressors, creating unity and cohesion among people, aggressively dealing with arrogance, humiliating and breaking the false glory of the enemy, preventing the spread of sin among people, and finally promoting the culture of prayer and trust in God among people, all of which can be done with the help of the media and traditional propaganda and the use of virtual capacities.

Keywords: oppression, oppression, anti-oppression, Mahdism, Holy Quran, narrations

1. Assistant Professor, Faculty and Research Institute of Command and Management of the IRGC (DAFOS), Tehran(Corresponding Author)(nma1380@yahoo.com)

2. Assistant Professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran,(saeidbakhshy@atu.ac.ir)

راهکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ظلم‌ستیزی از منظر اسلام

علی نبی‌اللهی^۱
سعید بخشی^۲

چکیده

ظلم‌ستیزی امری مهم در فرهنگ اسلامی و از مولفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق است. این امر بایستی به یک گفتمان تبدیل شود تا زمینه‌ساز تحولات بزرگ و در نهایت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شود. هدف این تحقیق، تبیین راهکارهای ترویج ظلم‌ستیزی و نهادینه‌سازی این فرهنگ در جوامع به ویژه جوامع اسلامی با هدف ریشه‌کن کردن ظلم است. راهکارهایی برای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ظلم‌ستیزی وجود دارد از جمله ارائه و معرفی الگوی ظلم‌ستیزی، وجود و برخورداری از رهبری صالح و یاران پیرو، نهادینه کردن استقامت و شکیبایی بین مردم در مواجهه با ظلم و ظالم، ایجاد اتحاد و انسجام بین مردم، برخورد تهاجمی با استکبار، تحقیر و شکستن شکوه دروغین دشمن، جلوگیری از ترویج گناه میان مردم و بالاخره ترویج فرهنگ دعا و توکل به خدا در بین مردم که همه این موارد با کمک رسانه و تبلیغ سنتی و استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی قابل انجام است. این تحقیق، از نوع کیفی و به روش تلفیقی (نقلی و تحلیلی) و کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

ظلم، ستم، ظلم‌ستیزی، مهدویت، قرآن کریم و روایات.

مقدمه

ظلم، از رذایل اخلاقی و از دیدگاه اسلام، امری مذموم است، مبارزه با ظالم در قرآن و احادیث به عنوان یکی از واجبات مهم دینی و فریضه‌ای الهی مطرح شده است. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق، یا سرعت دادن به تحولات، نهادینه کردن گفتمان ظلم‌ستیزی در میان مسلمانان و سپس در غیرمسلمانان

۱. استادیار دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و مدیریت ولایت سپاه (دافوس) تهران (نویسنده مسؤل) (nma1380@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که باعث نزدیک‌تر شدن ظهور می‌گردد ظلم‌ستیزی و تثبیت و نهادینه‌سازی آن در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی است که این مسئله یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق بوده و باعث سرعت بخشی به تحولات مثبت است که با این فرمول، روند و فرآیند جبهه حق برای تثبیت اسلام و فرهنگ آن تسهیل و تسریع می‌گردد، به عبارت دیگر، برقراری عدالت جهانی و نابودی ظلم، از اهداف حکومت مهدوی به شمار می‌رود، بدیهی است اتخاذ راهبرد مبارزه با ظلم و حمایت از مظلومان در عرصه داخلی و بین‌المللی، موجب آگاهی و آمادگی در مردم شده، در نتیجه ظهور منجی موعود بشریت را زمینه‌سازی می‌کنند.

از دیدگاه اسلام، مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از مظلوم، باید با انگیزه الهی و با رعایت اخلاق و احکام اسلامی آن، صورت پذیرد، از این‌رو مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم، فرصتی برای کسب شاخص‌ها، اوصاف و آمادگی برای یاری‌رساندن به امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در زمان ظهور و غیر آن است، بنابراین مبارزه با ظلم و ستم، نقشی اساسی در زمینه‌سازی ظهور منجی بشریت دارد که این مبارزه، نه تنها وظیفه‌ای اعتقادی، شرعی و اخلاقی است، بلکه فرصتی برای خودسازی و ارتقای ایمان و تقوا نیز محسوب می‌شود.

در آموزه‌های دینی به‌ویژه در روایات، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و شرایط تسریع در ظهور منجی بشریت (امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) معرفی شده چراکه این امر باعث ایجاد آمادگی و شایستگی در جامعه شده و هنگامی که مردم در برابر ظلم سکوت نکرده و برای دفاع از حق و مظلوم برخیزند، در واقع روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در آنها تقویت می‌شود که این روحیه، جامعه را برای پذیرش رهبری منجی و برقراری عدالت مطلق در جهان آماده می‌کند، افزون بر آن، این مسئله می‌تواند فراهم شدن بستری لازم برای ظهور را نیز با از بین رفتن ظلم و ستم و گسترش عدالت و حاکمیت دستورات الهی را فراهم سازد، همچنین، این مسئله می‌تواند اثباتگر صلاحیت یاران امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نیز باشد زیرا این یاران، کسانی هستند که در برابر ظلم ایستادگی کرده و از مظلومان دفاع می‌کنند، از این‌رو ایشان با انجام مبارزه با ظلم، صلاحیت خود را برای یاری‌رساندن به آن حضرت و برقراری عدالت جهانی اثبات می‌کنند.

مورد دیگر در این باره تکمیل رسالت انبیاء الهی با ظلم‌ستیزی است، چراکه یکی از اهداف

اصلی انبیاء و فرستادگان الهی، برقراری عدالت و از بین بردن ظلم بوده و این کار در راستای تکمیل رسالت انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام است و این مسئله زمینه را برای ظهور منجی و برقراری عدالت مطلق در جهان فراهم می‌کند، زیرا برای انجام هر کاری ابتدا بایستی آن مسئله به صورت فرهنگ و گفتمان درآید، در مسئله مورد گفتگو نیز بایستی راهکارهای فرهنگ‌سازی و تعمیق فرهنگ ظلم‌ستیزی تبیین شود تا این امر به صورت سکه رایج میان افراد، به ویژه جوامع اسلامی درآید تا زمینه‌ساز ظهور نیز گردد.

حال این سؤال مطرح است که راهکار مواجهه با پدیده ظلم، از دیدگاه اسلام شامل چه مواردی است؟ و چگونه می‌توان جوامع مختلف به ویژه مسلمانان را به سمت این فرهنگ سوق داده و آن را در میان مردم نهادینه ساخت؟ تلاش می‌شود تا در این نگاشته به این سؤالات در حد مقدور پاسخ داده شود.

روش تحقیق

این تحقیق، به روش تحلیل محتوا و به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده که با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش برداری از کتب، مجلات، نوشتارها، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی، اطلاعات گردآوری گردیده آیات و روایات مرتبط با موضوع جمع‌آوری و بررسی شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل مجموعه جمع‌آوری شده، پرداخته شده و نتایج مطلوب به دست آمده است.

مفهوم‌شناسی

این بخش در دو قسمت لغوی و اصطلاحی موردگفتگو قرار می‌گیرد.

ظلم از نگاه لغت

ماده ظا و لام و میم، دارای دو معنای اصلی است: یکم؛ برخلاف نور و روشنایی یعنی همان تاریکی و دوم؛ قراردادن چیزی در غیر جایگاه خود از روی ستم (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۴۶۸) همچنین به معنی ناقص کردن حق (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۷۰) یا گرفتن حق دیگری از روی ستم، نیز دانسته شده (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۳۲) برخی نیز ظلم را قراردادن چیزی در غیر جایگاه اختصاصی و مناسب خودش عنوان کرده‌اند حال این مطلب به کم کردن باشد یا به زیاد کردن، به تغییر زمان باشد یا به تغییر مکان. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۳۷)

از واژگانی که معنایی نزدیک به ظلم دارند هم می‌توان به ماده «بغی» و «عدو» اشاره کرده که به معنای افراط و تجاوز از حد آمده‌اند. (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ۲۲۸)

ظلم در اصطلاح

یکی از راه‌های شناخت هر چیزی مراجعه به نقیض و ضد آن است، ظلم، در برابر حق و عدل، قرار دارد از این رو نقص حق و نقض آن، تعدی و تجاوز به عدل، ظلم است، به دیگر بیان، قرار ندادن هر چیزی در جای خود، به معنای ظلم است که این مسئله نسبت به خدا، مردم، حیوان و خویش اتفاق می‌افتد، بنابراین، هر عمل مغایر با عدالت و حقانیت، ستم بوده و انجام‌دهنده این کار نیز ستمگر خوانده می‌شود. (طالبی، ۱۳۹۶: ۲۶)

به عبارت دیگر، میان حق، عدالت و ظلم، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، یعنی برای شناخت ظلم، شناخت حق و درک معنای حقیقی و واقعی آن لازم و ضروری است، زیرا تا حق شناخته نشود، نمی‌توان از رابطه مثبت و منفی عمل با آن سخن گفت یا حکم کرد که آیا فلان عمل مطابق با حق بوده یا نبوده؟ از آنجاکه معیار مسلمانان در سنجش همه چیز بر اساس خدا و بر محور توحید استوار است، کشف معنای حق آسان خواهد بود، زیرا مسلمانان هر اصل از اصول اخلاقی و مانند آن را به مبانی اصلی بازمی‌گردانند که از منابع دینی اخذ شده و خاستگاه همه امور، از جمله دین، مبانی، اصول اخلاقی و ارزشی هم خداوند باری تعالی است، (بقره: ۱۴۷؛ آل عمران: ۶۰) بر این اساس، خاستگاه حق، خداست، چه حق را به معنای حقیقت یا امر ثابت و واجب بدانیم که در برابر باطل قرار می‌گیرد و جمع آن حقایق است، چه حق را به معنای سزاواری بدانیم که جمع آن حقوق است.

معنای اصطلاحی ظلم‌ستیزی از نگاه مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری، ظلم‌ستیزی به مفهوم آن است که مسلمانان به‌ویژه ملت ایران، با شدت و قدرت در برابر توطئه‌ها و انواع تلاش‌های دشمن برای به سیطره درآوردن مسلمانان به‌ویژه ملت ایران ایستادگی و مقاومت کنند، همچنین ایشان مبارزه با استکبار و حمایت از هر مظلومی که از ظلم استکبار به‌جان آمده را نیز مصداق دیگری از ظلم‌ستیزی دانستند. (دیدار جمع کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹)

پیشینه موضوع

اولین ستمگر تاریخ قابیل است که هابیل را کشت (مائده: ۳۰) و این جا آغاز ظلم بشر به هم نوع خویش بود و در پی آن، ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم، تبدیل به امری ضروری و اجتناب ناپذیر در زندگی انسان شد. (کواکبی، ۱۴۰۰: ۳۵)

قرآن کریم نیز نسبت به این مسئله بسیار حساس بوده و آموزه‌های مختلفی در این باره دارد، مانند: آیه ۶۰ سوره حج و جز آن.

در سیره پیامبر ﷺ هم این اصل وجود داشته مثل پیمان‌هایی که در زمان جاهلیت باهدف پیشگیری از بی‌نظمی‌ها، آشوب‌ها و پایداری در برابر دشمنان قریش و حمایت از کعبه و اهداف دیگر به وجود آمد، مانند: عهدنامه‌های: «حِلْفُ الْمُطَيَّبِينَ» و «حلف الفضول» و جز آن، همچنین از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که حضرت فرمودند: برادرانت را ظالم باشد یا مظلوم، یاری کن و او را تنها نگذار! مردی گفت: زمانی که مظلوم باشد با دفع ظلم از وی، او را یاری می‌کنم اما وقتی ظالم باشد و در حق دیگری تعدی و تجاوز کرده باشد، چگونه او را یاری کنم؟ رسول اکرم ﷺ فرمود: او را از ظلم کردن به دیگران منع کن، یاری وی همین است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ج ۳، ۴۰۵)

در سیره عملی معصومین علیهم‌السلام نیز موارد بسیاری از ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم وجود دارد مثلاً زنی شکایت یکی از کارگزاران را به نزد حضرت علی علیه‌السلام برد، آن حضرت گریست و گفت: بار خدایا! من فرمان نداده‌ام تا به بندگان ستم روا داشته شده و حقت ترک شود، سپس کار او را پیگیری و فرمان عزل مأمور ستمگر را صادر کرد. (مغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۵۳۲)

در دوره ۲۵۰ ساله پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و به موازات ارتقا ادبیات دینی ظلم ستیزی توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز جنبش‌های خرد و کلان اجتماعی زیادی شکل گرفت که قیام حره، نهضت کربلا، قیام مختار و جنبش نفس زکیه از آن جمله است، پس از آن نیز، قیام‌های متعددی چون علویان طبرستان، سربداران خراسان، مشروطه‌طلبان ایران و انقلاب اسلامی روی داد که این جنبش‌ها به نفع مردم مظلوم و علیه ظلم پادشاهان و استعمارگران بوده، به طوری که در بیشتر این قیام‌های عدالت خواهانه، قدرت اجتماعی یا مردم در برابر قدرت سیاسی یا حکومت جبار زمان خود قرار داشته‌اند.

اما ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم در ادبیات و فرهنگ‌های غیردینی نیز امری پذیرفته شده است، همچنان که تاریخ در این دوره طولانی شاهد قیام‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها علیه

امپراتورها، پادشاه‌ها و دولت‌های ظالم بوده، سرنگونی هیپاس جبار در سال ۵۰۷ قبل از میلاد، شورش ایونیان، از حاکمان ستمگر در ۴۹۳ الی ۴۹۹ قبل از میلاد، به پا خاستن اسپارتکوس در ۷۱ قبل از میلاد علیه نظام برده‌داری روم (شیروودی، ۱۳۸۴: ۱۱) شورش یهودیان به رهبری شمعون بارکوخیا، جنبش باگودا توسط گل‌ها در سال ۲۸۶ میلادی علیه امپراتوری روم، جنبش نیکا در سال ۵۳۲ میلادی در قسطنطنیه علیه ژوستینین، جنبش دهقانی در ۱۳۸۱ میلادی در انگلستان (شیروودی، ۱۳۸۴: ۱۲) انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م، انقلاب فیلیپین در ۱۸۰۰م، انقلاب مکزیک در ۱۹۱۰م، انقلاب روسیه در ۱۹۱۷م، قیام ورشو در ۱۹۴۴م (شیروودی، ۱۳۸۷: ۹۷) اعتراضات گسترده دانشجویی علیه بی‌عدالتی در دهه ۱۹۶۰ اروپا، مواردی از ظلم‌ستیزی در فرهنگ بشر به شمار می‌رود. (کرودن، ۱۴۰۰: ۵)

شاید بتوان گفت وجهی که این نگاه‌ها را از سایر نگاه‌ها متمایز می‌کند در جمع‌آوری مصادیق و راهکارهای مبارزه با مسئله ظلم‌ستیزی باشد.

اهمیت و ضرورت بحث

مبارزه با ظلم در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و جهانی، به عنوان یک فریضه و یک واجب مطرح است، در سطح فردی، هر مسلمانی موظف است از ظلم به نفس خود و دیگران پرهیز کند، در بُعد اجتماعی نیز مسلمانان باید با ظلم و ستمی که در جامعه وجود دارد مبارزه کرده و در مقابل ظالمین بایستند و بالاخره، در سطح سیاسی هم، مسلمانان باید تلاش کنند تا حکومت‌های عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز بر سرکار آیند، از این رو هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی بر اساس منطق و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است. در اسلام، مسئله ظلم‌ستیزی آن قدر مهم است که آن، یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی به شمار آمده و مصداق آن می‌تواند این آیه شریفه باشد که مظلوم باید بتواند با آزادی کامل، علیه ظالم فریاد بزند! (نساء: ۱۴۸)

در سایر منابع اسلامی مانند روایات نیز موارد متعددی درباره اهمیت دفاع از مظلومان وجود دارد که این موارد نیز حاکی از اهمیت موضوع است. (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۲۸۳)

پیامبر اکرم ﷺ نیز کسی که با ظالم همراهی کند را در عقوبت آخرت همسان دانستند که بایستگی مبارزه با ظلم را می‌رساند. (ابومخنف، ۱۴۱۷ق: ۱۷۲)

حضرت علی ؑ هم دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم را یک اصل اساسی و مسلم دانسته

(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۴) و با تأکید بر بایستگی گرفتن حق مظلوم از ظالم (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۸۱) بهترین مصداق عدالت را ستیز با ستمگر (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۱۳) و یاری مظلوم (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۹۲) دانسته و تأکید دارند که همگان بایستی مقابل ظالمان و تعدی کنندگان به حقوق مردم بایستند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲۶۳)

راهکارهای ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی

در این قسمت به راهکارهای ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی پرداخته می‌شود.

معرفی الگوی ستم‌ستیزی

به طور کلی یکی از راه‌های آموزش و معرفی چیزی، همچنین نهادینه ساختن آن در جامعه، معرفی الگوی عملی و کامل است، ظلم‌ستیزی که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دین اسلام نیز هست در حیات پربرکت نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت آن حضرت به نحو احسن، نمودی علمی و عینی داشته، هم‌چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله علیه تأکید دارد که حیات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام تماماً مصروف جهاد در راه خدا و مبارزه با ظلم و ظالمان بوده، ایشان جنگ‌های نبی مکرم اسلام، بروز واقعه کربلا، به زندان رفتن امام کاظم علیه‌السلام و مواردی از این دست را شاهدی بر این مدعا دانسته و تأکید دارند اگر ائمه ما صرفاً اهل دعا، نماز و عبادت بودند هیچ‌گاه احترام‌شان از سوی خلفای وقت هتک نمی‌شد اما سیره ایشان بر چنین مطلبی استوار نبود بلکه سیره ایشان، بر تعهد به اسلام، ایستادگی در مقابل ظلم، ستم، دیکتاتوری، قدرت‌های شیطانی و عدم سازش با آنها استوار بود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۵۲۱)

مقام معظم رهبری نیز تأکید دارند امام حسین علیه‌السلام، فلسفه حرکت خود را مقابله با ظلم و جور قرار داده و چنین انسانی، در راه چنین هدفی، دشوارترین مبارزه‌ها را تحمل می‌کند. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۳/۱۷)

از این رو شایسته است مسلمانان به این الگوهای عملی در ظلم‌ستیزی اقتدا کنند، البته این مهم، بایستی با استفاده از رسانه‌های مختلف مانند رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال، نیز استفاده از ظرفیت مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و نیز تبلیغ چهره به چهره و مانند آن، صورت پذیرد تا از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار گردد.

مصادیق عینی و زیادی از مبارزه افراد سرشناس با ظلم و سیطره آن در دنیا و به‌ویژه در

جوامع اسلامی وجود داشته که نمونه بارز و سرآمد این افراد، امام خمینی رحمته الله علیه در ایران و در مبارزه با شاه پهلوی و استکبار آمریکایی بود.

وجود رهبر صالح و جمع شدن یاران، گرد او

هیچ قیامی بدون رهبری کاریزما، متفکر و صالح به نتیجه نمی‌رسد همچنان‌که قرآن کریم به درخواست قومی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم خسته شده بودند اشاره دارد که اولین گام ایشان در مبارزه با ظلم (بقره: ۲۴۶) تعیین رهبری صالح است. (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۵۶۸؛ نیز ر.ک: نساء: ۷۵)

این مسئله در جای جای دنیا هم مشاهده می‌شود چراکه همیشه رهبران صالح، نقش اصلی را در مبارزه با استکبار بر عهده داشتند، مثلاً در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ که استعمارگران ایتالیایی بندر بنگاری در لیبی را تصرف کردند عمر مختار به جهاد بر ضد آنان برخاست و از سوی همه قبایل به‌عنوان فرمانده کل و رئیس اعلاى مجاهدان جبل الاخضر برگزیده شد، تا آغاز ۱۹۱۶، مجاهدان لیبیایی توانستند بیشتر مناطق اشغال شده را آزاد سازند به طوری که جز شهرهای طرابلس، خمس و زواره، هیچ شهری در اشغال ایتالیاییان باقی نماند و سراسر بخش شرقی لیبی در تصرف سنوسی‌ها - که تا آن زمان رهبری جهاد ملی را بر عهده داشتند - قرار گرفت. قیام و مبارزه میرزا کوچک خان جنگلی در شمال ایران، شهید دلواری در جنوب ایران و موارد دیگر در همین راستاست.

آگاهی‌رسانی برای ترویج ظلم‌ستیزی و جلوگیری از فقر فرهنگی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ (نساء: ۷۵).

لحن خاصی که در این آیه وجود دارد برای ترغیب و تشویق هر چه بیشتر مسلمانان به سوی جهاد و جنگ است (البته شاید هم توبیخ باشد) زیرا از آنها می‌پرسد که شمارا چه شده است که کارزار نمی‌کنید؟ آن‌گاه دو هدف مهم برای جنگ ذکر می‌کند که هرکدام از آنها به تنهایی کافی است که مسلمان را به حرکت وادارد، هدف اول، راه خدا و بالابردن کلمه توحید و هدف دوم؛ دفاع از مظلومان و بیچارگانی که در دست ستمگران مانده‌اند و بدین گونه، هم

غیرت دینی و هم غیرت انسانی مسلمانان را تحریک می‌کند و به کار می‌اندازد تا ایشان نسبت به ظلم‌ستیزی اقدام نمایند.

همچنین آیه شریفه، هدف از جنگ‌های اسلامی را هم روشن می‌سازد که نخستین و مهم‌ترین هدف، همانا گسترش توحید، نشر دین خدا و ایجاد زمینه برای آگاهی مردم است و اسلام با کسانی که سدّ راه دین بوده یا مانع رسیدن پیام اسلام به مردم باشند، می‌جنگند و این همان «سبیل الله» است، هدف دوم؛ کمک به آن گروه از مؤمنان است که در چنگال ستمگران افتاده و قدرت دفاع از خود را ندارند، اینها آن دسته از ستمدیدگان و بیچارگان از مردان و زنان و کودکان هستند که در يك محیط غیر اسلامی و به صورت يك اقلیت زندگی می‌کنند و به خاطر همین ایمانشان به آنها ظلم و ستم می‌شود و حق آنها پایمال می‌گردد. مثل مسلمانانی که پیش از فتح مکه در این شهر زندگی می‌کردند و به سبب مسلمان بودنشان از طرف مشرکان مورد هرگونه شکنجه و آزار قرار گرفته بودند حتی به آنها اجازه داده نمی‌شد که به مدینه پیش مسلمانان هجرت کنند، ابن عباس می‌گوید: من و مادرم جزو همین مستضعفان بودیم! اینها هیچ چاره‌ای نداشتند جز این که دعا کنند و رو به سوی خدا آورند و از او بخواهند که آنان را از این شهری که اهلش ستمگر است، بیرون سازد و برای آنها سرپرستی و یآوری قرار بدهند.

اینک خداوند در این آیه با لحن تندی مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به جنگ برای آزادی این گروه از مسلمانان فرامی‌خواند. مسلمانان به این دستور الهی عمل کردند و در سال هشتم هجری به صورت سپاهی عظیم و قدرتمند به مکه حمله کردند و مکه بدون خونریزی فتح شد و مسلمانان دربند آزاد شدند و پیامبر از جانب خود، عتاب بن اسید را حاکم مکه کرد و بدینگونه دعای آن مسلمانان مستضعف مستجاب شد و خداوند آنها را نجات داد و برای آنها سرپرست و یآوری قرارداد و دیگر لازم نشد که از آن شهر بیرون روند (جعفری یعقوب ۱۳۷۶: ج ۲، ۴۸۷).

همچنین گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه‌ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می‌دهند و از آنها پیروی می‌کنند: «فَيَقُولُ الضُّعْفُو لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا...» «ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما پیرو شما بودیم...»

آیات ۳۱-۳۳ سبأ و ۲۱ ابراهیم نیز حاکی از دسیسه‌های شبانه‌روزی مستکبران برای القای اندیشه‌های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان‌کننده پیروی

مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است.

بدیهی است استضعافی که به این شکل ایجاد شده، دست کمی از استکبار ندارد و چنین مستضعفانی در گمراهی و عذاب اخروی با مستکبران همراه و همگام‌اند:

«...وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَننُكُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ * وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَلَ فِي آعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْرُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

... و اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان [برای حساب و جزا] نگه داشته شده‌اند، درحالی که هرکدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد [از وضع آنها تعجب می‌کنی]! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد [و آن را به خوبی دریافتید]؟! بلکه شما خود مجرم بودید. و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: وسوسه‌های فریبکارانه شما در شب و روز [ما به گمراهی ما شد]، هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم. و آنان هنگامی که عذاب را می‌بینند پشیمانی خود را پنهان می‌کنند [تا بیش تر رسوا نشوند]. و ما غل و زنجیر در گردن کافران می‌نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آنها جزا داده می‌شود؟!»

در این آیات، مستضعفان در قیامت با خطاب به مستکبران، آنان را سبب بی‌ایمانی خود می‌دانند و می‌گویند: «شما با دسیسه‌های شبانه‌روزی، ما را به کفر به خداوند وادار کردید.» مستکبران در قالب استفهام انکاری پاسخ می‌دهند: «آیا ما راه هدایت را بر شما بسته بودیم؟ این چنین نیست، بلکه شما خود مجرم و گناهکارید.» همچنین آیات فوق به پشیمانی و عذاب اخروی مستکبران و مستضعفان، هر دو، اشاره دارد.

اکنون نیز استعمار تلاش دارد با هیاهوی رسانه‌ای و تبلیغاتی خود این چنین وانمود کند که هر ملتی که خواهان استقلال بوده و نخواهد ظلم استکبار را بپذیرد محکوم به شکست و یا حداقل با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد، در حالی که امر، درست به عکس است چراکه

مقاومت در برابر ظالم، باعث پیشرفت خود و پسرفت دشمن می‌شود افزون بر آن که تسلیم شدن در برابر دشمن نه تنها عزت نمی‌آورد بلکه هر مقداری از عزت هم که وجود داشته باشد را نیز از بین خواهد برد.

در این میان می‌توان به نمونه‌های بسیاری اشاره کرد مثلاً لیبی که معمر قذافی حاکم آن بود، از اقتدار هسته‌ای برخوردار بود اما با وعده و وعید غربیان و اینکه گشایش اقتصادی برایشان حاصل می‌شود از سال ۱۹۷۹ که فشارها بر لیبی آغاز شد تا سال ۲۰۰۱ که در نهایت مقرر شد لیبی در مقابل برداشتن تحریم‌ها از حق خود در داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز نیز صرف نظر کند! قذافی این کار را انجام داد ولی وعده‌ها نصفه و نیمه عملی شد اما تنها پس از گذشت ۵ سال، آمریکا با متحد همیشگی خود انگلستان، به دلیل بالا گرفتن اعتراضات مردمی در لیبی به صورت هوایی به این کشور حمله کردند، هنگامی لیبی مورد حمله کشورهای عضو ناتو قرار گرفت که غربی‌ها توانسته بودند موشک‌هایی با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را از لیبی خارج نمایند تا هیچ‌یک از کشورهای اروپایی در تیررس موشک‌های لیبی قرار نداشته باشد!

گذشت که انگلستان متعهد شده بود از لیبی در صورت حمله نظامی کشوری دیگر دفاع کند اما با کمال تعجب، این کشور، خود، در حمله به لیبی تحت عنوان نیروهای ائتلاف یا ناتو حضور داشت، مسئولان سیاست خارجی انگلیس در همان زمان پا را فراتر گذاشته و اعلام کردند تا زمانی که ناآرامی‌ها در لیبی ادامه داشته باشد، در این کشور می‌مانند! این‌گونه بود که قذافی همه چیز را نیز از دست داد، آن‌گاه که حرکت‌های انقلابی در لیبی و در پی بیداری اسلامی به راه افتاد، آمریکا و ناتو فرصت را غنیمت شمردند تا علاوه بر نابودی زیرساخت‌های لیبی به بهانه کمک به انقلابیون و هدایت تحولات این کشور در راستای منافع غرب، اجازه ندهند قذافی به دست انقلابیون بیفتد تا محاکمه شود! اسناد و شواهد زیادی از جمله نحوه کشته شدن قذافی نشان می‌دهد که بازداشت وی به وسیله انقلابیون می‌توانست اعتراف تکان‌دهنده و رسواکننده‌ای علیه قدرت‌های غربی به خصوص کمک‌های میلیاردی به رهبران کشورهای غربی از جمله در تبلیغات انتخاباتی داشته باشد و از این رو قتل وی خواست انقلابیون نبود بلکه آنها قذافی را زنده می‌خواستند و گلوله‌های شلیک شده به وی نیز نشان می‌دهد که از سوی یک شخص و یک اسلحه انجام شده است، همان‌گونه که آمریکایی‌ها اجازه ندادند محمدرضا پهلوی به وسیله انقلابیون ایران محاکمه شود و در محاکمه صدام نیز اجازه ندادند که دو تجاوز وی به جمهوری اسلامی ایران و کویت در دادگاه مطرح شود بلکه او را به اتهام

کشتار شیعیان در دره دُجیل عراق محاکمه کردند زیرا اعترافات صدام در این دو زمینه، برای غرب و به خصوص آمریکا رسوایی دیگری به همراه داشت. به این موارد، اعلام قتل بن‌لادن به وسیله آمریکایی‌ها و انداختن جنازه وی به دریا را نیز باید افزود. با این مراتب خیانت آمریکا در عهدشکنی و از پشت خنجر زدن این کشور منحصر و محدود به کشورهای اسلامی نمی‌شود بلکه دامن کره شمالی و روسیه را نیز گرفت. (صلاحی، سهراب، ۱۳۹۸)

نهادینه کردن استقامت و شکیبایی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۷).

در آیه شریفه خداوند، پیروزی بنی‌اسرائیل را محصول شکیبایی آنها در مبارزه با فرعونیان می‌داند و صبر و مقاومت را شرط پیروزی بر مستکبران معرفی کرده و می‌فرماید: مستضعفان و ملتی که صابر و مقاوم باشند وارثان زمین‌اند.

طبق این آیه، نخستین اصل اساسی، برای مقابله با مستکبرین و زورگویان، صبر و پایداری در برابر تهاجمات گسترده آنها و مشکلات و گرفتاری‌هاست، زیرا هر قدر دشمن زورگو، قوی‌تر باشد، استقامت بیشتری نیز نیاز است.

ایجاد اتحاد و انسجام

یکی از راه‌های سلطه مستکبرین بر مردم و به استضعاف کشیدن آنها ایجاد تفرقه است، نقطه مقابل تفرقه، اتحاد است پس برای مبارزه با مستکبرین باید در جهت مخالف تفرقه گام برداشت و با وحدت و انسجام ضربه مهمی بر آنها وارد کرد. (آل عمران: ۱۰۳)

در قرآن ضمن تأکید بر برادری مؤمنان، بر سازش میان آنها امر شده (حجرات-۱۰) و اسلام وحدت را از جمع مسلمانان نیز فراتر برده است و حتی از اهل کتاب هم خواسته است که با همراهی مسلمانان حول اصل مشترک توحید حرکت کرده و نفی شرک کنند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

آن کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است، امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از

هدف‌های مشخص و تعریف‌شده‌ی استکبار است، روی این مسئله، برنامه‌ریزی و کار و سیاست‌گذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند. داخل ایران هم مواردی وجود دارد، چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنی، در یک صف واحد، در زیر یک پرچم واحد، با یک شعار واحد، در یک جبهه‌ی واحد، در کنار هم و باهم هستند (با آن مخالفت می‌کند)، در جنگ تحمیلی هشت ساله نیز، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند! در ایران، خون‌ها درهم‌آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد، استکبار، نمی‌تواند این را ببیند! لذا برای هر فرقه‌ای، بهانه‌ای درست می‌کنند، ساده‌ترین و فریب‌بخورترین افراد را هم در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند! همه باید مراقب باشند، هرکسی که امروز به این هدف استکبار کمک کند - یعنی ملت ایران را از ملت‌ها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر! هر کس که امروز به هدف‌های استکبار در قبال ایران اسلامی کمک کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۵/۱۳۷۵)

برخورد تهاجمی با ظلم و ظالم

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كانَ ضَعِيفاً﴾ (نساء: ۷۶).

در آیه شریفه، قرآن کریم برخورد تهاجمی با استکبار را خواستار شده زیرا مستکبر، مانند حیوانی است که اگر به آن حمله کنی عقب‌نشینی می‌کند و اگر از آن بترسی و گریز کنی دنبالت می‌آید! وجود این روحیه در مستکبرین هم اقتضا می‌کند تا مردم مستضعف، همواره در برابر آن‌ها موضع تهاجمی اتخاذ کنند تا آنان زمینه پیشروی پیدا نکنند، زیرا ستمگران اهل شفقت و دلسوزی نیستند لذا بعد از استعمار، به آن ملت رحم نمی‌کنند و دست از استعمار بر نمی‌دارند، حمله امریکا به کشورهای مختلف مانند ویتنام و ... شاهد زنده این مدعا است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در برابر افراد مستکبر، سیره تهاجمی داشتند و در نامه‌ای که به سران ایران، روم و برخی از کشورها فرستادند با آن‌ها از موضع برتری سخن گفتند، به عنوان مثال در

نامه‌ای که ایشان به کسری، پادشاه ایران فرستادند به وی امر کردند که مسلمان شو تا در سلامت باشی... .

تحقیر و شکستن شکوه دروغین مستکبرین

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكَيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ افْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونِ﴾ (یونس: ۷۱).

رفتار حضرت نوع علیه السلام در برابر قوم سرکش و متکبرش این است که با تحقیرآمیزترین لحن با آنها سخن می‌گوید.

انسان کم ظرفیت و فاقد شخصیت، هنگامی که همه چیز بر وفق مرادش باشد دچار غرور می‌شود و طغیان و سرکشی را شروع می‌کند که نخستین مرحله آن، برتری جویی و استکبار بر دیگران است که برای مقابله با آن، نیاز است شکوه دروغین آنان تحقیر و شکسته شود.

استکبار و ظالمان عالم هم تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد ابهت از طرق مختلف مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی و... خود را طرف غالب نشان داده و این مطلب را بین جوامع ترویج کنند که کسی را یارای مبارزه با ایشان نیست و کسانی که با ایشان مبارزه کنند فقط خود را نابود می‌کنند! لذا بایستی این هیمنه پوشالی به چالش کشیده شده و با مبارزه با آن به همگان شکست پذیری ایشان اثبات و تثبیت شود.

در همین راستا می‌توان به شکست‌های متعددی که آمریکایی‌ها در طول سال‌ها جنایت و حمله به کشورهای بی‌سپهره و ظلم آنها را نپذیرفتند اشاره کرد، مثل حمله آمریکایی‌ها به جزیره مکین در اقیانوس آرام که ناکام ماندند. همچنین است عملیات کنترل بر ارتفاع ۲۰۵ در کره شمالی است که در تاریخ ۲۵ نوامبر سال ۱۹۵۰ رخ داد و نیروهای ویژه آمریکایی شکست خوردند.

نمونه دیگر، شکست عملیات «پنجه عقاب» در ایران است که نیازی به توضیح ندارد، در همین راستا می‌توان به شکست عملیات «جرقه خشم» آمریکا در گرانادا به دلیل مقاومت مردم در سال ۱۹۸۳ اشاره نیز کرد که با شکست آمریکایی‌ها توأم بود. (خبرگزاری تسنیم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۵ شکست بزرگ عملیات ویژه آمریکا در جهان)

براین اساس ملت‌های مظلوم باید بدانند که شکوه مستکبران واقعی نیست و ایشان می‌توانند در مقابل دشمن ایستادگی و آنان را وادار به شکست کنند.

جلوگیری از ترویج فرهنگ گناه

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا جامعه از ظلم‌ستیزی دست برداشته و ظلم را پذیرا شوند انجام گناه است، همچنان که قرآن کریم درباره فرعون و قومش می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف: ۵۴).

زیرا فرعون، قوم خویش را خوار و خفیف می‌کرد تا از این راه بر ایشان غلبه نماید، به عبارت دیگر یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود افراد در برابر ظلم ظالمان نایستند تحقیر شدن ایشان است، چراکه افراد خوار و ذلیل، هیچ‌گاه ظلم را دفع نکرده و با آن مبارزه نخواهند کرد، شاهد این مسئله روایتی از امیرالمومنین علیه السلام است که تأکید دارند آدم حقیر و ذلیل از ستم و بیدادگری جلوگیری نمی‌کند! (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۴)

به عبارت دیگر، دور کردن انسان‌ها از منطق، عقل، دانش، فطرت و گرفتار و آلوده ساختن ایشان به تعصبات بی‌پایه، نیز غرق ساختن ایشان در شهوات و هواهای نفسانی باعث می‌شود تا انسان به این نقطه از حضيض ذلت برسد، بدیهی است که اگر انسان به این جایگاه رسید، دیگر تحمل ظلم برای او سخت نیست و چنین شخصی ظلم را از خود دفع نمی‌کند. (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲، ۴۹۵)

نکته دیگری هم در آیه شریفه وجود دارد و آن این‌که تنها، فرعون باعث چنین وضعیتی نبود بلکه مردم با فسق خود، یعنی مخالفت با دستورات الهی، این زمینه را فراهم آوردند که فرعون ایشان را خوار و ذلیل کند، بنابراین می‌توان گفت که فسق و مخالفت با دستورات الهی و ارتکاب گناهان، زمینه را برای تحقیر شدن و پذیرش تحقیر فراهم می‌کند سپس انسان از سوی ظالمان تحقیرشده و او این حقارت را می‌پذیرد و در ادامه ظالمان برگرده ایشان سوار شده و در این حالت هر ظلمی به این مردم روا دارند آنان اعتراضی نخواهند داشت، (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲، ۴۹۶) شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که امروزه استکبار همیشه در تلاش است تا مردم را به پیروی از هواهای نفسانی و ایستادن در برابر دستورات خدای تعالی و در یک کلمه تشجیع و ترغیب افراد به ارتکاب گناه تحت عناوین مختلف مانند: آزادی، اومانیسیم و مانند آن وادارد، همین مسئله باشد چراکه گناه، زمینه تحقیر و تحقیر زمینه اطاعت از ستمگران و

عدم ظلم ستیزی را در پی خواهد داشت از این رو بایستی از رسیدن مردم، به ویژه امت اسلامی به این نقطه جلوگیری شود، این امر با تشویق مردم به اطاعت از دستورات الهی و ترک معاصی الهی امکان پذیر است، چه در غیر این صورت، ظالمان و ستمگران به ویژه ظالمان فراملی، بر مردم چیره شده و مردم هم نسبت به ظلم ایشان اعتراض و حرکت تقابلی ای نخواهند داشت. از دیگر عوامل استخفاف، نیازمندی، طمع، دنیاگرایی و وابستگی است شاهد این مسئله آن که امیرالمومنین علیه السلام فرمودند:

أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعَ، وَ رَضِيَ بِالذَّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرِّهِ، وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ
مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۲)؛

آن که طمع را شعار خود سازد، خود را خوار ساخته و هر که پریشان حالی خویش با دیگران در میان نهد، تن به ذلت داده است و کسی که زبانش بر او فرمان راند، بی ارج شود.

بدیهی است که بایستی برای جلوگیری از این استخفاف، عواملی که در روایت یادشده را مدنظر قرار داده و از بروز آنها جلوگیری نمود تا استخفاف برای فرد و جامعه، ایجاد نشود.

توکل به خدا و دعا

معمولاً فرد مظلوم، خود را در مقابله با دشمن، ضعیف می بیند لذا مقابله با ظالم را امری غیرممکن می داند! دشمن نیز از این مسئله نهایت استفاده را می برد، چراکه فرد یا کشور هدف را تهدید به حمله نظامی یا محاصره اقتصادی و مانند آن کرده و در صورت مقاومت او ممکن است حتی حمله نظامی نیز داشته باشد امری که در اوائل انقلاب و به دستور دو ابرقدرت شرق و غرب، علیه نظام نو پای جمهوری اسلامی شکل گرفت، در این وقت است که استقامت و پایداری، موضوعیت ویژه می یابد چه اگر استقامت و پایداری رزمندگان و ملت شریف ایران درنبرد دفاع مقدس هشت ساله نبود، الآن دیگر ایرانی به شکل کنونی، وجود خارجی نداشت! لذا بایستی این امر برای همگان تبیین شده و توکل به خدای تعالی در کنار پایداری و ایستادگی به عنوان یکی از مهم ترین راهکارهای مبارزه با استکبار و ظلم ستیزی مدنظر قرار گیرد.

استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ملت ها به ویژه مسلمانان

امام خمینی رحمته الله علیه، وابستگی فکری مستضعفان به مستکبران و استقلال فکری و درونی نداشتن آنان را سرچشمه وابستگی های دیگر می دانست و راه نجات ایشان را در بیدارشدن از خواب مصنوعی تحمیل شده بر برخی اقشار به خصوص متفکران و روشنفکران کشورهای

مستضعف می‌دید، همان‌گونه که بیداری ملت‌های مستضعف را نخستین گام، برای رسیدن به پیروزی می‌دانست، ایشان ظلم‌پذیری و تن دادن به اسارت مردم مستضعف و مظلوم جهان را بدتر از ستم ستمکاران به شمار می‌آورد و به همه کشورهای زیر سلطه مستکبران هشدار می‌داد اگر به خود متکی نباشند تا ابد گرفتار خواهند ماند! ایشان با اشاره به اینکه حق، گرفتنی است، راه نجات از سلطه غرب را روی پای خود ایستادن و قیام و تاختن بر عوامل بیگانه و بیرون کردن آنان از میدان می‌دانست.

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است استکبار جهانی در دوران خواب و ناآگاهی مسلمانان، اسلام و قرآن را خطری بزرگ می‌داند که با عوامل داخلی و خارجی و بهره‌گیری از نویسندگان، گویندگان و خطیبان وابسته در کشورهای اسلامی نفوذ کرده‌اند، بنابراین توطئه‌گری و دسیسه‌چینی استکبار در کشور باید جدی گرفته شود و با آنها مبارزه کرد. (موسوی خمینی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۶۹۸)

نتیجه‌گیری

این نگاشته پیرامون مسئله ظلم‌ستیزی و راهکارهای مواجهه با آن به‌ویژه در جامعه اسلامی، گفتگو کرد زیرا مسئله ظلم‌ستیزی در اسلام و به‌ویژه فرهنگ مهدویت، از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار است و آن یکی از زمینه‌های ظهور شمرده می‌شود، بررسی‌ها نشان داد راهکارهای زیادی برای نهادینه‌سازی ظلم‌ستیزی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ارائه و معرفی الگوی ظلم‌ستیزی، وجود و برخورداری از رهبری صالح و یاران پیرو، نهادینه کردن استقامت و شکیبایی بین مردم در مواجهه با ظلم و ظالم، ایجاد اتحاد و انسجام بین مردم، برخورد تهاجمی با استکبار، تحقیر و شکستن شکوه دروغین دشمن، جلوگیری از ترویج گناه میان مردم و بالاخره ترویج فرهنگ دعا و توکل به خدا در بین مردم که همه این موارد با کمک رسانه و تبلیغ سنتی و استفاده از ظرفیت‌های مجازی قابل انجام است، اما نکته‌ای که ذکر آن در این‌جا لازم است آن‌که این نگاشته به هیچ‌عنوان مدعی آن نیست که همه راهکارهای ظلم‌ستیزی را استقصاء و بررسی نموده زیرا موانع مختلف مانند محدودیت صفحات و مانند آن، این نگاشته را از این‌که بتواند تمامی راهکارهای نهادینه‌سازی ظلم‌ستیزی در جوامع، به دست آورد بازداشت، اما راه برای انجام این مهم، فراروی محققان اسلامی باهدف به دست آوردن موارد یادشده، هم‌چنان فراخ است تا با بررسی جامع‌تر این مسئله، به‌ویژه با رویکرد دینی، گامی مهم در اطلاع‌رسانی به مردم و ایجاد انگیزش

در ایشان برای ظلم ستیزی و نهادینه سازی آن در جوامع مختلف و در نهایت از بین رفتن ظلم و زمینه سازی برای ظهور را شاهد باشیم.

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ ش، *الأمالی*، تهران، نشر کتابچی، چاپ ششم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی دآوری، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *معانی الأخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*، قم، جماعة المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ ق، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن فارس ابوالحسین، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، *وقعة الطّف*، قم، جامعه مدرسین قم، چاپ سوم.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۳ ش، *ترجمه قرآن*، قم، نشر اسوه، چاپ اول. (در ترجمه آیات، از این ترجمه استفاده شده است.)
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، *نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)*، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، *غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)*، قم، دار الكتاب الإسلامی، چاپ دوم.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ۱۴۱۰ ق، *الغارات أو الإستتفار والغارات*، قم، دار الكتاب الإسلامی، چاپ اول.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، *تفسیر کوثر*، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حرانی ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، نشر شریف رضی، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار العلم، دمشق، الدارالشامیة، چاپ اول.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، چاپ دوم.
- شیروودی، مرتضی، ۱۳۸۴ش، *غرب شناسی*، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول.
- صلاحی، سهراب، بررسی یک عبرت تاریخی؛ زمینها و شرایط انعقاد معاهده برجام، روزنامه کیهان. ۱۳۹۸/۰۴/۲۲.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- فرگل، اشپیل، ۱۳۸۰ش، *تمدن مغرب زمین*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۳ش، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتب، چاپ سوم.

- کرودن، الکساندر، ۱۴۰۰ش، جنیش دانشجویی دهه ۱۹۶۰، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، چاپ اول.
- کواکبی، عبدالرحمان، ۱۴۰۰ش، طبیعت استبداد، ترجمه حمید عنایت، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- کراچکی، محمد بن علی، ۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش، معدن الجواهر وریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
- مدرس، محمدتقی، ۱۴۱۹ق، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین علیه السلام، چاپ اول.
- مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، چاپ اول.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۸ش، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ بیستم.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ پنجم.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة، تهران، مكتبة الإسلامية، چاپ چهارم.